

تأملی فقهی اخلاقی بر آثار ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی

پرویز مرادقلی^۱

علی آل بویه^۲

چکیده

موضوع ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه همزمان با ورود همسایگان افغانی و عراقی در کشور ما وضعیتی جدی به خود گرفته و مشکلاتی را به همراه داشته است. این ازدواج‌ها افزون بر بوجود آوردن مشکلات اجتماعی و حتی سیاسی بر شرایط خانوادگی و اخلاقی آنان نیز تاثیر بسزائی دارد. در نظام حقوقی فعلی ایران تفاوت تابعیت شوهر نسبت به زن ایرانی داخل در موانع نکاح به عنوان یک مانع از سوی قانونگذار در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی وضع گردیده است اما تفاوت تابعیت شوهر به عنوان یک مانع در منابع فقهی فاقد هر گونه سابقه است. در مقاله حاضر، مفهوم نکاح و تابعیت، مقدمات و شرایط قانونی مربوط به محدودیت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، وضعیت و آثار ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه مورد بررسی قرار گرفته است و در خاتمه پیشنهاد گردید. با توجه به عدم آگاهی بانوان از پیامدهای چنین ازدواجی به نحو شایسته، آموزشهای لازم قبل و حین ازدواج از طریق رسانه‌های گروهی در قالب الزامات قانونی با اهتمام جدی تری در دسترس همگان قرار گیرد.

واژگان کلیدی

تابعیت، اخلاق، اتباع بیگانه، نکاح، موانع نکاح، قانون مدنی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

Email: parvizmoradgholi@yahoo.com

Email: dr.alebouyeh@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱/۱۹

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

مقدمه

در سالیان اخیر با توجه به اقدامات بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران در پذیرش آوارگان کشورهای مختلف و هم‌چنین مشکلات سیاسی برخی کشورهای همسایه ما شاهد ورود و پناهندگی اتباع آن کشورها به ویژه اتباع افغانستان و عراق که جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهد به ایران هستیم، این همزیستی مسالمت آمیز تبعاتی نیز به دنبال داشته است که یکی از آنها ازدواج بانوان ایرانی و اتباع خارجی است. با توجه به مساله تابعیت و احوال شخصیه در قوانین داخلی کشورها و مشکلات ناشی از این ازدواج‌ها رعایت برخی مقررات علاوه بر قواعد شرعی مربوط به نکاح می‌تواند تضمین‌کننده حمایت‌های قانونی از این ازدواج‌ها باشد و به بیان دیگر در این سال‌ها رشته این ازدواج‌ها از دست قانونگذار ما رها شده و کشور ما را بامسایلی جدی چون بی‌تابعیتی کودکان حاصل از این ازدواج‌ها، ابهام وضعیت حقوقی ازدواج‌های بدون مجوز (پروانه زناشویی)، ایجاد فساد و بزهکاری در میان کودکان حاصل از این نوع ازدواج‌ها، سردرگمی زن ایرانی در صورت جدایی همسر یا فوت وی و غیره... روبرو ساخته است. ازدواج تبعه ایرانی با تبعه بیگانه از دوجنبه قابل بحث و بررسی است، اول از نقطه نظر مرد ایرانی که قصد ازدواج با زن خارجی را دارد و دوم از نقطه نظر زن ایرانی که قصد ازدواج با مرد بیگانه را دارد.

در مقاله حاضر قصد ما بر این است که ازدواج مورد نظر را از جنبه دوم یعنی از نقطه نظر زن ایرانی که قصد ازدواج با مرد بیگانه را دارد بررسی نموده و موانع و تبعاتی را که در این مسیر بر سر راه این نوع ازدواج وجود دارد به چالش بکشیم.

نکاح (ازدواج)

واژه ازدواج صرف نظر از معانی مجرد و انتزاعی آن که همان نهاد اجتماعی ازدواج می‌باشد، در معانی متمایز دیگری نیز بکار می‌رود یعنی هم برای بیان رابطه بین زن و شوهر و هم برای مراسم و تشریفات مذهبی و اجتماعی که وابستگی و وضعیت حقوقی زن و مرد و تعهدات قانونی مربوطه، که براساس آن زن و مرد با یکدیگر پیوند زناشویی می‌بندند را شامل می‌شود و هم بیانگر رابطه موجود بین زن و مرد است که می‌توان از آن به وضعیت «زن دار بودن» و یا «شوهردار» و یا با عبارت دیگر تأهل نام برد (البرزی وری، ۱۳۷۱: ۴).

به عبارتی ازدواج لفظی عربی است که دو متمایز را با یکدیگر متقرن می‌سازد و به عبارت ساده‌تر به معنای «جفت گرفتن و با هم جفت شدن» است. این معنا به تدریج در اقتران مرد با زن به نحو مخصوصی برای تکوین خانواده به کار رفته تا آنجا که به طور اطلاق جز این معنا، معنای دیگری به ذهن متبادر نمی‌شود. اما در اصطلاح فقه، فقهای اسلامی تعریف‌های گوناگونی دارند که همه آن تعریف‌ها در اطراف هدف اصلی ازدواج یعنی حلال بودن استمتاع مرد و زن دور می‌زند. گروهی می‌گویند «ازدواج عقدی است که استمتاع مرد از زنی را که مانع شرعی برای نکاح وی وجود نداشته باشد حلال می‌کند».

(شیخ الاسلامی، سیداسعد، احوال شخصیه، ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، ج اول، مرکز نشر دانشگاهی: ۷/۶)

تعریف نکاح (ازدواج)

ازدواج مصدر ثلاثی از باب افتعال و نکاح مصدر باب مفاعله است، این دو واژه در اصطلاح فقهی و قانونی، به معنای رابطه‌ای است حقوقی که لازمه آن کامجویی بین زن و مرد است، چنان که واژه نکاح نیز به همین معنا است، هر چند از نظر لغت ازدواج به معنای متحد شدن دو انسان است و نکاح به معنای همخوابی آن دو است (ابراهیمی، محمد، ازدواج با بیگانگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۵).

نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند و از نظر ترمینولوژی، نکاح عقدی است بین مرد و زن برای وحدت زندگی، عقدی است که مقصود علیه همان متعاقدين هستند و قانون برای آن صیغه خاص را شرط ندانسته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶).

نکاح در حقوق مدنی ایران کاملاً از حقوق امامیه اقتباس شده است. در حقوق مدنی نکاح از حقوق غیرتشریفاتی به شمار می‌رود و با ایجاب و قبول زوجین که دلالت بر رضای آنها بنماید منعقد می‌شود و عدم ثبت آن در دفاتر رسمی ازدواج تأثیری در انعقاد نکاح ندارد.

عقد نکاح مانند عقود دیگر می‌بایست دارای تمام شرایط اساسی صحت که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر گردیده است باشد، در غیر این صورت و با فقدان یکی از آنها نکاح محقق نمی‌گردد (امامی، ۱۳۷۷: ۴/۲۶۸).

صاحب جواهر پس از ذکر اقوال مختلف در معنای لغوی و اصطلاحی نکاح می‌فرماید: نظر مشهور این است که نکاح در لغت به معنای همخوابی است و در شرع به معنای عقد است (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۹/۵) و ابن ادریس مدعی است که در این معنا هیچ یک از علماء اختلافی ندارند و ابن فهد و شیخ طوسی و فخرالمحققین ادعا اجماع دارند، چه این که استعمال این واژه (نکاح) در عقد متداول است. صاحب تفسیر کشاف (زمخشری، ۱۴۱۵: ۵۴۸/۳) (ذیل آیه ۴۶ سوره احزاب) معتقد است که واژه نکاح در قرآن جز در آیه «حتی تنکح زوجاً غیره» به معنای همخوابی نیامده است، یعنی در تمام موارد، استعمال این واژه در قرآن به معنای عقد ازدواج است. جالب اینکه در آیه فوق نیز بعضی آن را به معنای ازدواج گرفته‌اند نه همخوابی و گفته‌اند: شرط بودن همخوابی برای حصول حلیت در چنین ازدواجی، از دلیل خارجی فهمیده می‌شود نه از آیه شریفه مذکور.

فلسفه ازدواج

هدف از ازدواج هم برای مرد و هم برای زن، پاسخ مثبت دادن به سنت الهی و تولید نسل است. لذا هر دو در این زمینه بر یک عقیده‌اند. فلسفه ازدواج براساس این دومینا ملاک دین و نجابت است. در نتیجه، هدف از ازدواج و تولید نسل، مقدس می‌گردد و هیچ یک از مادیات ملاکی برای

آن به حساب نمی‌آید.

اصولاً فلسفه خلقت زن و مرد (زوجیت) تولید مثل است، همانگونه که این زوجیت در سایر حیوانات و حتی گیاهان نیز وجود دارد. نکته اصلی که باید در ازدواج مورد توجه هر دو طرف باشد دین و کمال است. از این رو، از روایات نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام چنین برمی‌آید که هر کس ممکن است به یکی از چهار دلیل ازدواج کند: ۱. پول ۲. دین ۳. زیبایی ۴. شهرت و عنوان. بین این چهار هدف، دین از همه بالاتر و بهتر است.

اما به طور کلی نیازهای ایجاب کننده ازدواج عبارتست از:

الف. نیازهای فردی

ب. نیازهای اجتماعی

ج. نیازهای مذهبی

نیازهای مذهبی و اخلاقی ازدواج

ضرورت‌های مذهبی و اخلاقی ازدواج از دو جنبه قابل بررسی اند: از جنبه آیات و از جنبه روایات (الف) ازدواج در آیات: این سوال همواره مطرح بوده است که چرا خداوند انسان و یا حیوانات و حتی گیاهان را زوج آفرید؟ فلسفه زوجیت انسان‌ها، گیاهان و حیوانات چیست؟ در پاسخ به این سوال، به اجمال می‌توان گفت که فلسفه زوجیت در انسان‌ها به ازدواج باز می‌گردد. اما پس از آن، این سوال مطرح می‌گردد که آیا ازدواج فقط برای تأمین غریزه جنسی است؟ آیا برای شروع مسائل اجتماعی است؟ آیا برای ایجاد انس میان دو زوج مخالف با هم است؟ در پاسخ باید گفت که خیر، هدف از ازدواج این مسائل نیست. فلسفه ازدواج چیز دیگری است و آن امتداد نسل، بقای آن و اتمام ترکیبات عاطفی زن و مرد به دلیل تولید مثل می‌باشد، همان گونه در برخی از آیات به این مطلب اشاره شده است:

خداوند در سوره نساء، آیه (۱) می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾؛ ای مردم، بترسید از پروردگار خود که شما را از یک تن آفرید و از او جفتش را بیافرید و از آنان مردان و زنان بسیاری گسترانید و بترسید از خداوندی که از او و از ارحام پرورش می‌شود. بر شما نگاهبان است.

ب) ازدواج در روایات: اسلام در این زمینه دودسته را مخاطب قرار داده است و ازدواج را به

آن‌ها توصیه می‌کند:

۱. کسانی را که به قصد ارضای غریزه شهوت و محافظت از آلودگی ازدواج می‌کنند، ولی از

پیدایش نسل جلوگیری می‌نمایند.

۲. کسانی را که علاوه بر ارضای غریزه شهوانی، قصد تشکیل خانواده نیز دارند و در نتیجه،

خواهان نسل هستند. اما به طور کلی دسته دوم بیشتر مورد خطاباند زیرا خانواده بدون فرزند در همان وصلت و گوشه حجله، بدون استمرار دنباله خلاصه می‌شود.

نظر به وجود منافع و اهمیت‌های ازدواج است که اسلام آن را تایید کرده و ضرورت آن را در درجه اول اهمیت و مورد تاکید قرار داده است.

ضرورت‌های ازدواج از نظر اسلام

۱. محبوب‌ترین بنا؛ بنای تشکیل خانواده در اسلام محبوب است، تا آنجا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست. لذا پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله من التزویج» نزد خداوند هیچ بنایی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که از طریق ازدواج آباد گردد (میرزا آقاوری طبرسی، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۵۳).

۲. عامل تکمیل دین: ازدواج غیر از ایجاد نظم در زندگی، وسیله‌ای برای حفظ و تکمیل دین است. بدان دلیل، ازدواج تکمیل‌کننده ایمان است که به وسیله آن، بسیاری از گناهان از وجود آدمی ریشه کن می‌شود و راه برای سعادت‌مندی او از هر سو فراهم می‌گردد. لذا، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه» (حرعاملی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۰). هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را بازیافته است. در جای دیگر، فرمودند: «ما من شاب تزوج فی حدائه سنه الا عج شیطانه یا ویله عصم منی ثلثی دینه» (همان) هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می‌کند: ای وای، دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد.

۳. موجب ازدیاد نسل: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غدا فی القیامه» ازدواج کنید؛ زیرا من به زیادتی شما نسبت به امت‌های دیگر در قیامت مباحثات می‌کنم. (این که امروزه در کشور ما با توجه به احکام ثانویه، به مهار جمعیت حکم می‌شود مطلب دیگری است که این مختصر مجالی برای طرح آن نیست)

۴. موجب ازدیاد مسلمانان: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما یمنع المؤمن ان یتخذ اهلا لعل الله یرزقه نسمة تثقل الارض بلا اله الا الله» (همان، ۱۴) چه مانعی دارد که مؤمن زنی بگیرد تا خداوند فرزندی نصیبش کند که با کلمه لا اله الا الله زمین را گرانبار کند؟

۵. موجب ازدیاد روزی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اتخذوا الاهل فانه ارزقکم» (همان)؛ روزی را به وسیله زن گرفتن زیاد کنید. در حدیث دیگری، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «اذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه» (همان) اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را پسندید او را اجابت کنید. در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من ترک التزویج مخافه العیله فقد ساء ظنه بالله عز و جل ان الله یقول: ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» (همان) هر کس ازدواج را از ترس فقر و تنگدستی ترک کند به خدا سوء ظن برده است، زیرا خداوند می‌فرماید: اگر (زن و شوهر) فقیر باشند خدا هر کدام را از کرم خود بی‌نیاز می‌کند. بنابراین، در هر صورت، روزی زن و مرد با خداست.

۶. نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تزوجوا فان التزویج

سنه رسول الله فانه كان يقول: من كان يحب ان يتبع بستی فان من سنتی التزویج» (همان) ازدواج کنید، ازدواج سنت پیامبر ﷺ است. آن جناب فرمودند: هر که می‌خواهد از سنت من پیروی کند، بداند که ازدواج سنت من است.

۷. نشانه پیروی از سنت پیامبران ﷺ: امام رضا ﷺ فرمودند: «ثلاث من سنن المرسلین: العطر و اخذ الشعر و كثره الطروقه» (همان) سه چیز از سنت‌های پیامبران است: استعماله عطر، ازاله موهای زاید و ازدواج کردن.

۸. موجب جلب رضایت الهی: پیامبر ﷺ فرمودند: «ما من شیء احب الی الله عز و جل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح» (همان) هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از این نیست که خانه‌ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد.

۹. موجب کسب طهارت معنوی: پیامبر ﷺ فرمودند: «من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه» هر کس می‌خواهد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند باید هنگام مرگ متاهل باشد. ۱۰. بهترین بهره و سود: امام رضا ﷺ فرمودند: «ما استفاد امرء بعدالاسلام فائده خیرا من امراه مسلمه...» (همان) پس از ایمان به خدا، هیچ انسانی بهره‌ای بهتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است.

۱۱. گشودن درهای رحمت الهی: پیامبر ﷺ فرمودند: «یفتح ابواب السماء بالرحمه فی اربع مواضع: عند نزول المطر و عند نظر الولد فی وجه الوالد و عند فتح باب الکعبه و عندالنکاح» (میرزا آقائوری طبرسی، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۵۲) درهای رحمت آسمان در چهار موقع گشوده می‌شود: ۱. هنگام باریدن باران، ۲. وقتی فرزندی از سرمهر به صورت پدرش بنگرد، ۳. زمانی که در خانه کعبه گشوده می‌گردد، ۴. در وقت اجرای عقد نکاح (همان).

تابعیت

تابعیت در لغت به معنای پیروی و اطاعت کردن است و در علم حقوق به عنوانی یکی از مظاهر جداسازی افراد یک دولت از دول دیگر از جمله اصطلاحاتی بوده که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده که این تعاریف گاه با تکیه بر عناصر سیاسی و گاه با تکیه بر عنصر معنوی بیان گردیده است.

ژان پول نی بوایه، رابطه مزبور را یک رابطه ی سیاسی و معنوی دانسته و تابعیت را چنین تعریف کرده است. «در تابعیت نوعی از ارتباط سیاسی است که به موجب آن فرد جزء عناصر اساسی و دولتی کشور می‌گردد.» در تعبیر دیگری که مبتنی بر شناسایی این رابطه به عنوان رابطه سیاسی^۵ حقوقی است، هانری باتیفول و پل لاگارد تابعیت را تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده یک کشور دانسته‌اند (سروی مقدم، پایان نامه کارشناسی ارشد، سال ۱۳۷۱: دانشگاه شهید بهشتی).

در واقع هر دولتی ارتباط خود با اتباعش را بنابر مقتضیات سیاسی، اجتماعی خود تنظیم

می‌کند نوع رابطه و نگرش کلی حاکمیت نسبت به آن در محدودیت وضع شده بر نظام ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی نیز بی تأثیر نمی‌باشد.

مفهوم بیگانه

بیگانه در لغت به معنای غیر آشنا، غریبه و خارجی و مقابل آشنا و بیگانه می‌باشد (دهخدا، ۱۳۴۵: حرف ب، بخش دوم). در اصطلاح حقوقی این لفظ به افراد یا اشخاصی اطلاق می‌شود که براساس نظام حقوقی کشورمان، ایرانی محسوب نشوند و به تعبیری تابعیت ایرانی نداشته باشند حتی اگر آپاترید (بدون تابعیت) باشند که از این لحاظ بیگانه محسوب می‌شوند از دیدگاه عرف نیز بیگانه کسی است که از نظر کشوری که در آن سکونت دارد ناآشنا و اجنبی تلقی گردد.

مفهوم بیگانه در اسلام و ایران

در فقه اسلام غیر مسلم را اجنبی و بیگانه فرض می‌کنند و از نظر مسلمانان کفار نیز بیگانه محسوب می‌شوند. به بیان دیگر بیگانه به کسی اطلاق می‌شود که متعهد به دین اسلام نبوده و مسلمان نباشد.

در فقه اسلام بیگانگان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اهل کتاب

اهل کتاب مرد غیرمسلمانی هستند که کتب مذهبی آنان در قرآن ذکر شده و این افراد در صورتی که خراج مقرر شده را به بیت المال پرداخت نمایند می‌توانند در میان مسلمانان و در کشور اسلامی سکونت داشته باشند مالیاتی را که اهل کتاب به مسلمین می‌پرداختند به نام جزیه معروف بوده که در مقابل پرداخت این جزیه مسلمین نیز از جان و مال اهل کتاب محافظت می‌کردند.

مستامن

کلمه مستامن در مورد کسانی بکار می‌رود که موقتاً در سرزمین اسلامی سکونت نمایند. این افراد می‌بایست قبل از ورود به خاک مملکت اسلامی اجازه توقف تحصیل نموده و بدون اجازه حق اقامت در سرزمین اسلامی را نخواهند داشت. این افراد در مقابل این اقامت هیچگونه خراجی به مسلمین پرداخت نمی‌کردند مگر آنکه مدت اقامت آنان به پایان رسیده باشد که در این صورت برای تمدید اقامت می‌بایست مالیاتی مشخص را به دولت اسلامی پرداخت می‌کردند.

بت پرستان

بت پرستان از نظر مسلمانان افراد طرد شده از جامعه محسوب می‌شدند و اصولاً هیچ گونه حقی برای این گروه در جامعه اسلامی متصور نبوده البته در عمل دولت اسلامی تا اندازه‌ای این گروه را مورد ارفاق قرار می‌داده است ولی در هر حال می‌توان گفت در جامعه اسلامی بطور کلی برای این افراد حقوق قابل توجهی وجود نداشته است.

دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی نیز گروه‌های کفار و مشرکین را چنین توصیف می‌کند «گروه‌های کفار و مشرکان و بت پرستان و ستاره پرستان و غیره، خواه عرب باشند یا عجم و خواه منتسب به پیامبران صاحب کتاب باشند مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام و یا غیره، همچنین از کسی که از اهل یهودی و زرتشتی نبوده و بعد از اینکه کتب این سه مذهب به وسیله اسلام نسخ شده به یکی از این سه مذهب درآید پذیرفته نیست بلکه جزو گروه‌های حربی محسوب می‌شود» (امام خمینی، ۴: ۴۰۲).

بررسی وضعیت ماده ۱۰۶۰ ق.م.ا.ز نظر فقهی

مفهوم بیگانه در فقه اسلامی با آنچه امروزه در ایران رواج یافته متفاوت است. مفهوم بیگانه تا حدود زیادی از منظر دینی در اسلام بررسی شده، یعنی تمامی غیر مسلمانان از نظر اسلام بیگانه محسوب می‌شوند در نتیجه وقتی صحبت از ازدواج با بیگانه در اسلام به میان می‌آید مقصود همان ازدواج مسلمان با غیرمسلمان است.

نکته دیگر اینکه اکثر فقها ازدواج زن مسلمان با بیگانه را از منظر حلیت یا حرمت بررسی نموده‌اند به بیان دیگر فقها این نوع ازدواج را مستقیماً از جهت صحت یا بطلان بررسی نموده‌اند تا روشن شود که آیا ازدواجی از این دست اگر حرام هم باشد آیا باطل و یا غیر نافذ خواهد بود.

ماده ۱۰۵۹ ق.م.ا.ز صرفاً ازدواج مسلمه با غیر مسلم را جایز ندانسته است. همچنین مانع تفاوت تابعیت شوهر، به عنوان موضوعی که حقوق ما امروزه با آن در برخورد با قواعد جدید و پیچیده تابعیت با آن دست به گریبان است، نیز به لحاظ فقهی مورد تصریح قرار نگرفته است. البته لازم به ذکر است که نمی‌توان بر فقه‌های اعصار قبل خورده گرفت زیرا همانطور که بیان شد مفهوم بیگانه در اسلام کاملاً متفاوت است از مفهوم ناسیونالیستی آن در حال حاضر می‌باشد اما پرواضح است که اکنون ما نیازمند قواعدی منظم و منسجم روشن در باب چنین ازدواج‌هایی می‌باشیم. در مورد ازدواج زنان مسلمان با مردان غیرمسلمان اتفاق نظر فقه‌های شیعه (الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة: ۵ / ۲۳۴؛ تحریر الوسیلة: ۲ / ۲۸۵؛ الفقه علی المذاهب الخمسة: ۲ / ۴۸؛ سیدابوالقاسم خوی، منهاج الصالحین: ۲ / ۲۷۰؛ اللمعة الدمشقیة: ۱۶۷؛ جامع المقاصد: ۱۲ / ۳۹۱ با تحریرالمجله: ۵۰) و اهل سنت (المدوکه الکبری: ۲ / ۳۰۱؛ بدائع الصنائع: ۲ / ۲۷۱؛ الفقه علی المذاهب الاربعه و اهل البیت علیهم السلام: ۴ / ۱۰۸) و ظاهر آیات قرآن بر این است که ازدواج زن مسلمان با هر فرد غیرمسلمان اعم از این که کتابی باشد یا غیر کتابی جایز نیست چنان که آیه ۲۲۱ سوره بقره می‌فرماید: «ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا ولعبد مومن خیر من مشرک» بنابراین آیه فوق تصریح دارد که زنان مسلمان نمی‌توانند با افراد مشرک یا مردان کافر غیر مشرک ازدواج کنند چه اینکه در سوره مائده (آیه ۵) - که از حیث نزول آخرین آیات قرآن است - تنها ازدواج با زنان اهل کتاب را بر مسلمانان حلال کرده و نه عکس آن را و از طرفی روایات فراوان به صورت صریح، ازدواج زن مسلمان و مرد غیر مسلمان را مطلقاً ممنوع دانسته است (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

لازم به ذکر است که فلسفه تحریم این ازدواج در قرآن و روایات، خوف تأثیرپذیری در مورد مردان (بخصوص در دوران حاکمیت اسلام) ضعیف تر است لذا در شرایطی که غیر مسلمانان ضعیف بوده و با مسلمانان قرارداد امضاء کرده باشند به مردان اجازه ازدواج داده شده است ولی از آن جا که زنان به صورت نسبی در معرض تأثیرپذیری جدی تری قرار دارند، از این ازدواج مطلقاً منع شده‌اند. به بیان دیگر شاید بتوان ضعف عقیدتی زنان را عامل اصلی این طرز تلقی بیان کرد. قرآن کریم بعد از حکم به لزوم اجتناب از ازدواج با مشرکان می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ﴾ (بقره (۲): ۲۲۱).

عده‌ای دیگر از فقها با استناد به آیه ۱۴۱ سوره نساء: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ بر عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان نظر داده اند و معتقدند که این نوع ازدواج با لحاظ آیه ﴿الَّذِينَ قَوْمُونَ عَلَى الْبَيْتِ﴾ باعث سلطه غیرمسلمان بر مسلمان خواهد بود.

البته در مقابل استدلال شده که اصل عدم سلطه شامل چنین مواردی نمی‌شود که فرد مسلمان بصورت آزاد ضمن عقد لازم چیزی را برای فرد کافر متعهد گردد و متقابلاً شخص کافر نیز چیزی را به نفع مسلمان برعهده گیرد وگرنه بایستی بگوییم؛ هرگونه معامله و یا قراردادی که از آن نفعی به کافر برسد ممنوع است و این چیزی است که هیچ فقیه‌ای آن را نگفته است؛ در پاسخ مطرح شده که در عقد ازدواج خصوصیت ویژه‌ای نهفته است چه این که طبق آداب و رسوم اجتماعی، زن باید در محدوده وسیعی مطیع امر شوهرش باشد. بنابراین لازمه عقد ازدواج با کافر سلطه کافر بر زن مسلمان خواهد بود ولی به هر حال این دلیل اخص از مدعاست زیرا تردیدی نیست که ازدواج زن مسلمان با کافر در تمامی موارد و زمان‌ها سلطه به شمار نمی‌آید به خصوص در جوامعی که آزادی عقیدتی بر آنها حاکم است (همان، ۱۲۱).

بعضی از نویسندگان معاصر عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد کافر را معلول عدم اعتراف غیرمسلمان به مشروعیت آیین اسلام دانسته‌اند. بدین معنا که زن مسیحی در خانواده مسلمان مورد تحقیر دینی قرار نمی‌گیرد زیرا آزادی مذهبی از طرف اسلام پذیرفته شده است و زن مسلمان در خانواده مسیحی بطور طبیعی مورد تحقیر دینی قرار خواهد گرفت، زیرا مسیحیت آزادی دین را قبول ندارد و تنها مذهب نجات بخش را آیین مسیح می‌داند چنانکه یهودیت و دین زرتشت نیز چنین تلقی دارند و این احتمال بسیار مقبولی است (حقوقدانان معاصر، الحافظ صیری، المقابلات). در نتیجه می‌بینیم که ازدواج مسلم با غیر مسلم در اجماع فقها بطور کلی رد شده و جای هیچ گونه شک و تردیدی در این موضوع نمی‌باشد.

پیامدهای حقوقی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه

مشکلات و تبعات ناشی از ازدواج ایرانی با تبعه خارجی از جهات متعدد قابل بررسی و امعان نظر

است. یک زن ایرانی که به وسیله ازدواج به زوجیت تبعه خارجی در می‌آید و به تبع این ازدواج تابعیتش تغییر می‌یابد، با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود که تعدادی از آنها را بررسی می‌کنیم.

محدودیت در تملک (حقوق مالی زنانی که با تبعه بیگانه ازدواج می‌نمایند)

زنانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی، تابعیت خود را که به نفع تابعیت خارجی شوهر از دست می‌دهند، به لحاظ آن که نسبت به جامعه ایرانی، بیگانه تلقی می‌شوند و براساس تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م. در حقوق آنها نسبت به اموال غیرمنقول محدودیتهایی ایجاد می‌شود؛ براین اساس، آنها حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی شود، ندارند، مستند این تبصره «قاعده ی نفی سیل» می‌باشد که در قانون اساسی ایران نیز به آن تصریح شده است و تشخیص این امر نیز با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزراتخانه‌های خارجه، کشور و اطلاعات واگذار شده است. این تبصره در قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ بسیار سخت گیرانه و بدین شرح بود:

زن‌های ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در زمان ازدواج دارا بوده اند، ندارند. این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱/۱۶۹). با وجود این مقررات، ماده ۹۸۸ قانون مدنی در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را تغییر داده اند، شامل زنان مزبور نخواهد بود. بنابراین، ازدواج زنان ایرانی؛ با اتباع خارجی، به ترتیب فوق مجاز بوده و دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل آنها به تابعیت دولت متبوع همسر (طبق سطر ۲ ماده ۹۸۷ قانون فوق)، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول وامکان تحصیل تابعیت همسرشان (تبصره یک و دو همان ماده) است. در این بین، موضوع تبدیل تابعیت یا تحمیل تابعیت بیگانه بر اثر ازدواج با زن ایرانی و امکان بازگشت مجدد زن به تابعیت ایرانی و پیشین خویش از اهمیتی ویژه برخوردار است.

محرومیت نسبی از حقوق سیاسی

حقوق سیاسی مختص ایرانیان است؛ لذا در صورتی که زن تبعه ی دولت ایران نباشد، از آن محروم خواهد شد؛ مانند شرکت در انتخابات یا انتخاب شدن در مناصب سیاسی و قضایی. (نصیری، ۱۳۸۱: ۶۸/۶۹).

تبعیت در احوال شخصی از کشور متبوع

در صورت مزدوجت با بیگانه، احوال شخصی زن دیگر تابع قانون ملی ایران نخواهد بود وفق ماده ۷ ق.م. تابع قانون کشور متبوع شوهر می‌شود.

تابعیت مضاعف

احتمال بروز تابعیت مضاعف در صورتی است که قانون کشور زوج تابعیت شوهر را به زوجه

تحمیل کند و زن ایرانی با حفظ تابعیت خود از طریق اقامتگاه یا سیستم خاک نیز تابعیت زوج را تحصیل کند؛ زن شوهردار می‌تواند تابعیت مضاعف داشته باشد.

آزاد نبودن در انتخاب همسر

اگر زن ایرانی اصرار داشته باشد فرزندش ایرانی شناخته شود و تابعیت شوهر بر او تحمیل نگردد، ناگزیر از انتخاب شوهر ایرانی است؛ لذا آزادی در انتخاب همسر در زندگی زنان ایرانی تحت تأثیر قوانین ناظر بر تابعیت محدود می‌شود و این در حالی است که مردان آزادی عمل دارند و می‌توانند بدون نگرانی همسر خود را از اتباع بیگانه انتخاب کنند، زیرا تابعیت همسر خارجی به آنها تحمیل نشده و تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از این ازدواج نیز قطعی است.

میراث و حقوق ارثی

قوانین ایران حقوق مالی و ارثی زنان را که با اتباع بیگانه عقد زناشویی می‌بندند به شدت محکوم می‌سازد. به موجب ماده ۹۶۳ ق.م «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. زنان از حیث حقوق ارثی حتی از سهم الارث معین در قوانین ایران نیز محروم می‌شوند. قوانین ایران در موضوع ارث نیز بازتابی از قوانین ناظر بر تبعیت است.

هرگونه ازدواج و ثبت ازدواج با مهاجرین غیرمجاز غیرقانونی است زیرا بخشی از این ازدواج‌ها با انگیزه‌های سودجویی و اخذ اقامت با استفاده از ناآگاهی زنان ایرانی صورت می‌گیرد. این در حالی است که فرزندان بلا تکلیف و زنان رهاشده، حاصل ازدواج با مهاجران غیرمجاز است و مانیز به دلیل عدم در اختیار داشتن مدارک حقوقی از آنها، می‌توانیم از حقوق این زنان و فرزندان رها شده دفاع کنیم.

محدودیت در حقوق مادی

به موجب ماده ۹۶۴ ق.م روابط بین ابوبین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است، مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع دولت متبوع مادر خواهد بود. با توجه به قوانین ناظر بر تابعیت، حقوق مادرانه ی زنانی که با اتباع بیگانه پیوند زناشویی می‌بندند کاملاً تضییع می‌شود، زیرا قانون مدنی در ایران روابط بین ابوبین و اولاد را تابع قانون دولت متبوع پدر اعلام می‌دارد. از طرفی به موجب بند ۲ ماده ۹۶۱ ق.م اتباع در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده تابع قوانین دولت متبوع خود هستند. بنابراین حضانت که از جمله اموال شخصی است، در موردی که پدر تبعه خارجی است تابع قوانین حاکم در دولت متبوع او می‌باشد. از ترکیب مواد قانونی این نتیجه حاصل می‌شود که چون روابط پدر و مادر یا فرزندان در ایران، تابع قانون دولت متبوع پدر است، لذا زنان ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می‌کنند روابطشان با فرزندان بر پایه قانون دولت متبوع

شوهر تنظیم می‌گردد.

محدودیت در حقوق فرزندان

فرزندانی که محصول ازدواج زن ایرانی با شوهر خارجی هستند و در خارج چشم به جهان می‌گشایند، این بخت و فرصت قانونی را ندارند تا از تابعیت مادر ایرانی خود بهره‌مند شوند. مثال‌ها و نمونه‌های عینی حاکی است که قوانین برای فرزندان این دسته از مادران ایرانی محرومیت جبران‌ناپذیری ایجاد کرده است.

آثار این تبعیض در موارد منتقل شده به فرزندان، خانواده‌ها را در نابسامانی و بلا تکلیفی قرار می‌دهد. مادران ایرانی در شرایط خاصی با چنان موقعیت نابرابر قانونی مواجه می‌شوند که نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای فرزندان خود باشند. آنها که به چشم خود می‌بینند فرزندانشان برای نجات از بی‌هویتی و بی‌وطنی به دامان بیگانه پناه می‌برند، افسوس خورده و در این موقعیت‌ها آسیب‌های وارد بر مادران ایرانی به فرزندان نیز به تبع مادران منتقل می‌شود.

برابر بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م. برای تابعیت ایران دو شرط لازم است، اول شرط ولادت که با استفاده از سیستم خاک تبعه‌ی اصلی ایران می‌شوند؛ دوم اقامت یک ساله در ایران که پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام است.

این گونه تابعیت را نیز می‌توان «تابعیت اصلی از نوع ارضی» نامید. البته این بند و بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. در زمان تحقق تابعیت متفاوت است؛ در بند ۴، زمان تحقق تابعیت لحظه تولد و در بند ۵، زمان احراز سن ۱۹ سالگی تمام می‌باشد.

فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی حتی چنانچه در ایران متولد شوند، بیگانه تلقی شده و صرفاً در حدود بیگانگان از حقوق بهره‌مند خواهند شد. تولد چنین اطفالی در ایران آنها را تنها مشمول موضوع ماده واحده‌ی قانون تعیین تکلیف فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی خواهد کرد. در حالی که هر طفلی که از زن ازدواج کرده با مرد ایرانی متولد می‌شود، طبق بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. که مؤید پذیرش خون در نظام قانونگذاری ایران است، به مجرد تولد چه در داخل کشور باشد یا در خارج، ایرانی محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۸۱: ۳۰). بنابراین قانون ایران تابعیت اصلی برحسب سیستم خون را فقط از راه نسب پدری پذیرفته و نسب مادری را لحاظ نکرده است.

اختلاف در تابعیت

آن زمانی است که زن و شوهر در بحث تابعیت به مانند ازدواج، زن تبعه ایرانی با مرد تبعه خارجی، دارای اختلاف باشند، این قاعده که نکاح، تابع قانون ملی زن و شوهر است، هم در قانون ایران و هم در قانون بیشتر کشورها اجرا می‌شود و مادام که زوجین، هر دو تابع یک دولت باشند، اجرای قاعده فوق بلا اشکال خواهد بود، ولی هر گاه زن و مرد تبعه یک دولت (به ترتیب فوق) نباشند؛

اجرای قاعده مذکور بر خلاف شقوق ردیف یک و دو موجد اشکال خواهد بود، زیرا در چنین صورتی، برای تعیین شرایط ماهوی نکاح وحکم به صحت یا بطلان آن، اختلاف نظر وجود داشته و به طریق اولی، در تعیین دادگاه صالحه نیز دچار تشکیک خواهند شد. به علاوه به استناد ماده ۹۷۸ ق.م. در صورت عدم تحمیل تابعیت دولت متبوع تبعه خارجی به زن ایرانی، وی در تابعیت ایرانی باقی خواهد ماند لکن در صورت ایجاد اختلاف در روابط شخصی و مال آنها (زوجین) در ایران از جمله حصول به اختلاف در خصوص مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۱۸ قانون مزبور، تعیین قانون صالح و در نتیجه دادگاه ذی صلاح برای رسیدگی و حل و فصل موضوع، دارای اهمیت است.

با وجود این، قانون مدنی ایران در این گونه موارد، قایل به ترجیح قانون دولت متبوع زوج یا همان تبعه خارجه است. زیرا طبق ماده ۹۶۳ آن قانون: اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مال آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. بنابراین، اگر زن ایرانی که دارای شوهر خارجی است با استناد به قانون ایران، خود را مجاز به همه نوع تصرف در اموال خود بداند، در حالی که قانون دولت متبوع شوهر، زن را مجاز در تصرفات مستقل نسبت به دارایی خود بداند، در اینجا باید زن را به ترتیب فوق، مشمول قوانین دولت متبوع شوهر دانست.

بحران‌های داخلی

جامعه‌شناسان هشدار می‌دهند از نظر تابعیت، حداکثر مردان خارجی ازدواج کرده با زنان ایرانی را مردان تبعه افغانستان و سپس اتباع عراقی تشکیل می‌دهند. آنان بر این باورند که وجود بحران‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها و باز بودن درهای کشور بر روی مهاجران و آوارگان از عوامل عمده مهاجرت وسیع و گسترده این افراد به کشورمان بوده که متأسفانه به علت تداوم بحران در کشورهای مبدأ، فراهم بودن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، حضور مهاجران در کشور تداوم پیدا کرده و زنان ایرانی به گمان رسیدن به آرزوهای واهی، تن به ازدواج با این افراد می‌دهند.

این در حالی است که همسران خارجی زنان ایرانی به منظور رفت و آمد به کشورشان عمدتاً از طریق مرزهای زمینی اقدام می‌کنند، اعلام می‌کنند که برای تردد خود دچار مشکلات زیادی نیستند که این بیانگر عدم وجود، یا عدم اعمال قوانین سخت و دقیق در کنترل ورود و خروج از مرزهاست و این مسئله خود منشأ پیامدهای زیادی از جمله افزایش ازدواج‌های غیر قانونی و افزایش تعداد فرزندان بی سرپرست، فاقد اسناد هویتی و غیره است.

ثبت ازدواج برای زوجین و فرزندان آنان آثار حقوقی، مالی و اجتماعی به همراه دارد، به همین دلیل است قانونگذار بر ثبت ازدواج تأکید کرده و حتی در قانون مجازات اسلامی برای عدم ثبت ازدواج دائم مجازات در نظر گرفته شده است. در صورت عدم ثبت ازدواج و بروز اختلاف، معمولاً زنان از لحاظ نفقه، مهریه، ارث و نسب فرزندان با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. از آن جایی که در ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، یک طرف عقد، خارجی است ثبت ازدواج

آنان برای دفاع از حقوق زن ایرانی بسیار مهم و ضروری است. زنان ایرانی برای ازدواج با اتباع خارجی باید پروانه زناشویی دریافت کنند، پروانه زناشویی در داخل ایران را مقامات وزارت کشور (استانداری ها) و در خارج از کشور را روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران صادر می‌کنند. اگر بانوان ایرانی بدون رعایت قوانین، مقررات مربوطه و مشاوره‌های حقوقی اقدام به ازدواج با اتباع بیگانه کنند، برخی مشکلات حقوقی از جمله نبود ضمانت اجرای قانونی و رسمی تعهدات برای پایبندی زوج به ادامه زندگی و نیز بلا تکلیفی وضع هویتی فرزندان آنان به وجود خواهد آمد، چرا که در قوانین فعلی یکی از شروط اصلی دریافت شناسنامه برای فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی، ثبت ازدواج والدین آنها است.

پیامد بهداشت روانی

بیشترین میزان ازدواج‌های بدون پروانه زناشویی با اتباع بیگانه در مناطق مرزی و دورافتاده است، عدم اطلاع از قوانین مهم ترین عامل در وقوع این نوع ازدواج هاست. متأسفانه زنان ایرانی از طریق ازدواج با اتباع خارجی که ۸۰ درصد آنها افغانی هستند، بدون ثبت قانونی ویا حتی رسمی، دچار آسیب‌های روحی و روانی بسیار می‌شوند.

به عنوان مثال با تداوم بازگشت اتباع کشورهای افغانستان و عراق به کشورشان، تشدید وضعیت مبهم زنان به طوری که همراه شوهرشان و رفتن به مقصد آنها وضعیت حقوقی روشنی نخواهند داشت و ماندن در ایران و ترک شوهرانشان از طرف دیگر مشکلات عدیده‌ای برای آنان به وجود می‌آورد. این زنان پس از مدتی دچار اختلالات روحی و روانی می‌شوند و بهداشت روانی آنها به خطر می‌افتد، آنان به یکباره خود را تنها می‌بینند، با تجمیع این شرایط ناگوار دچار انواع افسردگی ها، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، مشاجرات خانوادگی و غیره می‌شوند.

خودکشی

۶۰ درصد این زنان اقدام به خودکشی می‌کنند، آنان خودکشی را راهی برای رهایی از یک مسئله یا بحران می‌دانند و طردشدگی، احساس بی هویتی، ناکامی و شک در زندگی از عوامل مهم این پدیده است، بی بندوباری جنسی و روسپیگری از آسیب‌های اجتماعی مهم در این زنان می‌باشد و ترس از بی کفایتی، بی هویتی، اضطراب و افسردگی، مشکلات خانوادگی و فشارهای ممتد روحی از عواملی دیگری است که این گونه زنان را به سمت روسپیگری می‌کشاند.

میان رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال افزایش افراد فاقد هویت اسناد سجلی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چه این پدیده یعنی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه افزایش یابد، تعداد افراد فاقد هویت و اسناد سجلی نیز به مراتب افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری

نکاح یا ازدواج، رابطه شرعی و حقوقی است که بر مبنای وقوع عقدی خاص بین زن و مرد حاصل

می‌شود و مقتضای ذات این عقد، ایجاد علقه ازدواج بین زوجین و مهمترین و یا بارزترین اثر آن ایجاد تمتع جنسی برای ایشان است. آنچه در این مقاله آمده تلاشی بود برای نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر به وضعیت و پیامدهای حقوقی خانواده‌هایی با ساختار مادر ایرانی و پدر خارجی. در ایران زن و مرد مجرد مطابق عرف اجتماعی تحت حمایت خانواده‌ی اولیه خود باقی مانده و آسیب کمی را متوجه جامعه بزرگتر خود می‌کنند، اما فروپاشی خانواده‌ها متأثر از سهل‌انگاری در نظارت بر ساماندهی و تشکیل خانواده علی‌رغم ایجاد تنش‌های شدید روحی و رویارویی زوجین و فرزندان آنها، موجب گسترش درگیری‌ها و خشونت‌های خانگی، افزایش آمار طلاق، بروز تأثیرات جبران‌ناپذیر در فرزندان طلاق و نیز شیوع فحشاء و فساد در جامعه می‌گردد.

از آنجا که در صورت فروپاشی خانواده زنان خسارت و آسیب بیشتری را متحمل می‌شوند، قانونگذار باید با وضع قوانین حمایت از این گروه را برعهده بگیرد اگر چه گامهایی در این زمینه برداشته شده است، اما هنوز قوانین حمایتی به ویژه در فرض ازدواج زن ایرانی با خارجی‌ان کامل نیست. بنابراین جهت حفظ استحکام و کمک به بهبود و روابط زناشویی در این خانواده‌ها می‌توان مواردی را به شرح ذیل پیشنهاد نمود:

- در انتقال تابعیت به فرزند، زن ایرانی نیز بتواند تابعیت خود را به فرزندش منتقل کرده و فرزند متولد از مادر ایرانی نیز ایرانی شناخته شود.

- با اینکه قانون موجود در موضوع زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع بیگانه از نوع قوانین حمایتی است، اما به نظر می‌رسد مواد این آیین‌نامه بیشتر جنبه اخلاقی دارد و آن چنان که باید از این زنان حمایت نمی‌کند، بنابراین نیاز است که قانونگذار تضمین‌های حقوقی بیشتری را به خصوص با توجه به ترک خانواده توسط اتباع بیگانه قبل از ازدواج حمایت کند.

- تدوین ماده‌ای حقوقی قبل از ازدواج برای تضمین دوام و بقای خانواده‌های با زن ایرانی و مرد خارجی برای جلوگیری از ترک زندگی مشترک توسط اتباع نیز در جهت حفظ استحکام خانواده می‌تواند راهگشا باشد. همچنین با توجه به اهمیت نقش خانواده و ازدواج در جامعه و مطابق با قوانین ایران بر خلاف تسهیلاتی که برای مردان ایرانی در ازدواج با زنان کشورهای دیگر وجود دارد در خصوص ازدواج دختران و زنان ایرانی با اتباع کشورهای دیگر چنین تسهیلاتی در نظر گرفته نشده است.

نظر به اینکه عدم آگاهی یکی از مهم‌ترین دلایل شیوع پدیده‌ی ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه است. لذا آگاهی جوانان به ویژه زنان از پیامدهای حقوقی و اجتماعی این گونه ازدواج‌ها و اطلاع‌رسانی مسائل حقوقی به خانواده‌ها از طریق رسانه‌های گروهی و همچنین توجه قانونگذار و مسئولین به آموزش‌های قبل و حین ازدواج در قالب الزامات قانونی لازم و ضروری است که مسئولین نظام در این خصوص باید اهتمام جدی تری داشته باشند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). *ازدواج با بیگانگان*، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. ارفع نیا، دکتر بهشید (۱۳۷۰). *حقوق بین الملل خصوصی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه.
۴. البرزی ورکی، مسعود (۱۳۷۱). تهران، پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۵. امامی، سیدحسن (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*، جلد چهارم، چاپ پانزدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۶. حرعاملی، محمدبسی حسن (۱۳۷۴). *وسایل الشیعه*، جلد ۲۰، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). *لغت نامه*، بخش دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. زمخسری، محمودبن عمر (۱۴۱۵ق). *الکشاف*، جلد سوم، قم، نشر البلاغیه - سوق القدس.
۱۰. سروی مقدم، مصطفی (۱۳۷۱). *تابعیت غالب و موثر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیه فی شرح اللعه الدمشقیه*، قم، مکتب آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۲. شیخ الاسلامی، سید اسعد (۱۳۸۵). *احوال شخصیه ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت*، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *حقوق مدنی (خانواده)*، جلد اول چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار بهمن برنا.
۱۴. کاسانی حنفی (۱۴۰۹ق). *بدیع الصنایع فی ترتیب الشرایع*، المکتبه الحبیبه، چاپ اول، تابستان.
۱۵. کاشف الغطاء، *تحریر الجملة*، چاپ اول، المجمع العالمی، للتقرب بین المذاهب الاسلامیه.
۱۶. کرکی (محقق ثانی) (۱۴۱۰ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث.
۱۷. متولی، سیدمحمد (۱۳۷۸). *احوال شخصیه بیگانگان در ایران*، انتشارات سازوکار، چاپ اول.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*، چاپ دوم، النجف الاشرف، مطبعه الآداب.
۱۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۲۹، چاپ سوم، تهران، چاپخانه اسلامی.
۲۰. نصیری، محمد (۱۳۸۱). *حقوق بین الملل خصوصی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات آگاه.
۲۱. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۸). *مستدرک الوسیله*، جلد ۱۴، چاپ دو، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث.